



تفکیک قوا در کشورهای جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

محمد ایمانی توران پشته^۱

چکیده

تفکیک قوا یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق اساسی کشورهای جهان است. در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نیز این موضوع به طرق مختلف در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهش پیش رو به مطالعه‌ای تطبیقی میان تفکیک قوا در این دو کشور می‌پردازد. در آغاز مدلهای مختلف تفکیک قوا مورد بحث واقع می‌شوند، سپس روابط میان قوای مجریه و مقننه و تفکیک قوا در فراتر از دو قوه مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتیجه آنکه در آمریکا تفکیک قوا از جنس نظام ریاستی وجود دارد، اما در ایران هیچ یک از مدل‌های تفکیک قوا پیاده سازی نشده اند.

واژگان کلیدی: تفکیک قوا، نظام ریاستی، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده

آمریکا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از همان ابتدا شیوه تقسیم قدرت یکی از موضوعات مهم حقوق اساسی بوده است. دستکم دو جهت اهمیت برای این موضوع وجود دارد: تخصصی شدن کارها، جلوگیری از تجمیع قدرت. ایالات متحده آمریکا از بدو تأسیس و ایران از ۱۲۸۵ در مسیر تحقق تفکیک قوا گام برداشته اند و البته مسیرهای متفاوتی را پیموده اند. از این رو برآن شدیم که پژوهشی در این باره به رشته تحریر درآوریم. سوال اصلی مقاله پیش رو این که «هر یک از دو نظام جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از کدام مدل تفکیک قوا تبعیت کرده اند؟» برای این موضوع سه سوال فرعی طرح شده است که ساختار پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. سوال فرعی نخست: «چه مدلهایی برای تفکیک قوا وجود دارد؟» سوال فرعی دوم: «در هر یک از دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چه ارتباطی میان قوای مجریه و مقننه برقرار شده است؟» و سوال فرعی آخر «در هر یک از دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تفکیک قوا در خارج از دو قوه مجریه و مقننه چگونه برقرار شده است؟» سوال فرعی نخست در حوزه قواعد حقوق اساسی و سوالات فرعی دوم و سوم در جز موضوعات حقوق اساسی دو کشور طرح شده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. کوشش شده که تطبیق در کوچکترین بخش رعایت شود.

۱- مدل‌های تفکیک قوا

در این قسمت سه مدل اصلی را بازگو می‌کنیم در مورد هر یک از مدل‌ها، ضمن بررسی مفاهیم مرکزی نقاط مثبت و منفی را بررسی می‌کنیم.

۱-۱- نظام ریاستی

ایالات متحده آمریکا را مهد نظام ریاستی دانست. از این رو بررسی این نوع رژیم حکومتی به شکل ویژه‌ای اهمیت پیدا می‌کند.

۱-۱-۱- مؤلفه‌ها

تفکیک مطلق قوا هیچ گاه در عرصه نظری مطرح نبوده و در عمل نیز اجرا نشده است. (اسدیان، ۱۳۹۵: ۱۰۰) اما نظام ریاستی به تفکیک مطلق قرابت بیشتری دارد. این نظام ریاست هر سه نهاد دولت، قوه مجریه و کشور و فرماندهی به کل نیروهای مسلح را به رئیس جمهور می‌سپردند که خود برای مدت معینی با رأی همگانی برگزیده می‌شود. باتوجه به نقش ویژه رئیس جمهور در این نظام، این شیوه تفکیک قوا را «ریاستی» نام نهادند. در نظام ریاستی اعضای قوه مقننه نیز منتخب مردم‌اند و دو قوه، در یک سطح قرار دارند و دارای پشتوانه‌ای مساوی هستند و هیچ کدام از دو قوه نمی‌تواند دوره کارکرد قوه مقابل را از راه انحلال یا استیضاح و عزل کوتاه کند. نه قوه مجریه صالح است که پارلمان را منحل کند و نه نمایندگان پارلمان توانایی آن دارند که رئیس جمهوری و وزرای او را از کار برکنار نمایند. از آن جهت که قوا وظایف تخصصی را برعهده دارند، هیچ یک در کار دیگری دخالت نمی‌کنند. می‌توان سه ویژگی عمده را برای نظام‌های ریاستی ذکر کرد:

نخست، وظایف هر کدام از دستگاه‌ها تخصصی است و هیچ کدام از دستگاه‌ها در کار دیگری دخالت نمی‌کند. دوم، دستگاه‌ها نوعاً کلیه وظایف خود را به تنهایی انجام می‌دهند. سوم، اندام‌ها و دستگاه‌های دولتی کاملاً از یکدیگر مستقلند. هیچ کدام از آنها منبعث از آن دیگری نیست و بالتبع از آن تبعیت نمی‌کند. قوا، در کار هم مداخله‌ای ندارند و هیچ کدام را بر دیگری برتری نیست. عنوان «ریاستی از این حیث رایج شده است که در نظام تفکیک انعطاف ناپذیر قوا در ایالات متحده، رئیس جمهور به مناسبت داشتن نقش دوگانه (رئیس مملکت + رئیس الوزراء) مهم‌ترین کلید کاربردی نظام آمریکایی است و در راه بردن سیاست و فرمانروایی بر کشور، نقش درجه اول را برعهده دارد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۵: ۳۱۷-۳۱۸)

فارغ از این سه ویژگی، شاید بتوان ۶ ویژگی لاینفک را برای نظام ریاستی برشمرد:

نخست، دموکراتیک باشند. اساساً در نظامی غیر دموکراتیک با تفکیک قوا مواجه نیستیم. دوم، از نظام جمهوری تبعیت کنند. سوم، سمتی تحت عنوان نخست وزیر تعریف نشده باشد. وجود

این سمت بالذات با ریاستی بودن سیستم معارض است. چهارم، رئیس جمهور در فرایندی مجزا از پارلمان برگزیده شود. لزومی به انتخابات مستقیم برای جایگاه رئیس جمهور نیست. پنجم، رئیس جمهور به عنوان رئیس کشور، رئیس قوه مجریه و رئیس دولت شناخته شود. ششم، از حیث وظایف و کارکردها نیز تفکیک میان سه قوه وجود داشته باشد. (زارعی، ۱۳۹۴: ۹۲)

۱-۱-۲- نقاط مثبت

چند محسنه برای نظام ریاستی می‌توان برشمرد. تلخیص این محسنات به شرح زیرند:

نخست، در این رژیم تفکیک میان ارکان قدرت بیشتر از رژیم ریاستی است. این موضوع می‌تواند حدی از نظارت و تعادل میان ارکان قدرت را به همراه داشته باشد. دوم، مشکلات معمول و رایج میان رئیس جمهور و نخست وزیر در این نظام وجود ندارد، چراکه اساساً ثنویت برقرار نشده است. سوم، شأن مجلس به عملکرد قوه مجریه گره نمی‌خورد. چهارم، از زد و بندهای رایج در نظام پارلمانی خبری نیست. پنجم، این نظام از ثبات بیشتری برخوردار است. (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۳۱)

۱-۱-۳- نقاط منفی

معایب این رژیم را می‌توان به شرح زیر برشمرد: نخست، انحصارگرا است و بر مبنای برد کامل یک طرف و باخت کامل طرف دیگر بنا شده است. بنابراین، گروه‌های اجتماعی و قومی را از حکومت طرد می‌کند و ثبات دموکراسیهای جدید را به خطر می‌اندازد. دوم، قطب بندی‌های سیاسی را افزایش داده و نقش احزاب را تضعیف می‌کند. همچنین نخبگان را جذب هیات حاکمه نموده و به این ترتیب به پارلمان آسیب می‌رساند. سوم، یک ساختار اجرایی فردمحور ایجاد می‌کند و مشخصه‌ی شور و رایزنی را که در تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک اهمیت زیادی دارد کمرنگ می‌نماید. چهارم، ممکن است اکثریتهای متفاوتی در قوای مقننه و مجریه تشکیل شود و در اصطلاح «دولت اکثریت انشعابی» به وجود آید؛ امری که می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری سیاسی را فلج نموده و تعارض میان پارلمان و قوه‌ی مجریه را دامن زند. این شرایط

فعالان سیاسی را متمایل به تشویق شیوه‌های اقتدارگرایانه‌ی حل تعارض می‌کند که نهایتاً ممکن است تا دخالت نظامیان در امور سیاسی نیز پیش رود. پنجم، این سامانه انعطاف ناپذیر است، در نتیجه کشور نمی‌تواند نسبت به تغییر اوضاع واکنش متناسب و به هنگامی نشان دهد. (همان)

این مدل در عمده کشورهای قاره آمریکا آزموده شده، از این رو به مدل آمریکایی مشهور شده است. البته تفاوت‌های فاحشی میان تجربه آمریکا و سایر کشورهای این قاره در این باره وجود دارد.

۱-۲- نظام پارلمانی

نظام پارلمانی محصول تاریخ سیاسی انگلستان است. (هریسی نژاد، ۱۳۹۶: ۳۱) در این باره بحث و بررسی بیشتری خواهیم داشت.

۱-۲-۱- عناصر

عناصر نظام پارلمانی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد (زارعی، ۹۱): نخست، تبلور حاکمیت جمهوری در مرحله انتخاب نمایندگان، در این نظام صرفاً انتخابات پارلمان (ها) برگزار می‌شود و مسیر مجزایی برای انتخابات ریاست جمهوری طی نمی‌شود. دوم، انتخاب رئیس دولت (نخست وزیر) به طور غیر مستقیم از طریق نمایندگان پارلمان. در این نظام دوگانه رئیس کشور، رئیس دولت وجود دارد. در نظام‌های پارلمانی جمهوری، رئیس جمهور رئیس کشور است و در نظام‌های پادشاهی پارلمانی این وظیفه به شاه محول می‌شود. علی‌الغلب در این کشورها رئیس کشور مقامی تشریفاتی محسوب می‌شود هر چند استثنائاتی نظیر اسپانیا نیز وجود دارند (هریسی نژاد، ۱۳۹۶: ۱۰۹). سوم، تداخل نسبی وظایف و صلاحیت‌های مجریه و مقننه. چهارم، فقدان مسئولیت سیاسی رئیس کشور و مسئولیت سیاسی نخست وزیر و وزرا به پارلمان. رئیس کشور از آن رو که مقامی تشریفاتی هست، مسئولیت سیاسی ندارد و مسئولیت متوجه نخست وزیر و وزراست. پنجم، صلاحیت دولت در فرایند قانونگذاری و همکاری با پارلمان. این مولفه را می‌توان تا حدی نتیجه عملی ویژگی‌های پیشین دانست. ششم، دو رکنی

بودن قوه مجریه (تمایز مقام رئیس کشور از مقام رئیس دولت). در این خصوص در بالا توضیح داده شد. هفتم، وجود ابزارهای تعامل و کنترل برای دولت و پارلمان در مقابل یکدیگر. در این باره می‌توان به انحلال پارلمان از سوی دولت و استیضاح وزرا از سوی پارلمان اشاره کرد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۹: ۱۷۶-۱۷۸)

۱-۲-۲- نکات مثبت

در مورد مزایای نظام پارلمانی می‌توان مصادیق زیر را برشمرد: نخست، همسویی دولت و پارلمان در نظام‌های پارلمانی. این همسویی می‌تواند سازنده باشد. در نظام ریاستی معمولاً دولت‌ها با پارلمان هایشان همسو نیستند در برخی موارد این عدم همسویی باعث میشود که بحران‌هایی در کشور به وجود آید که تعطیلی‌های مکرر دولت آمریکا مصداقی از این موضوع محسوب می‌شود این ناهمسویی در نظام نیمه ریاستی به دلیل قدرت بیشتر پارلمان شدیدتر است. دوم، برخی از افراد معتقد اند که در نظام پارلمانی همه افسار جامعه نمایندگانی در پارلمان دارند و با توجه به این که قوه مجریه نیز زیر نظر پارلمان قرار دارد در نظام پارلمانی قوه مجریه به صورت مردمی تر اداره می‌شود و این مردمی تر بودن در نظام تناسبی بروز و نمود بیشتری دارد. این افراد دولت‌های ائتلافی را گواهی بر انگاره خویش می‌دانند. (گرگی ازندریانی، ۲۲۹) سوم، انعطاف نظام پارلمانی بالاست. چهارم، با ابزارهایی چون ائتلاف و نظیر آن بهتر از سایر شیوه‌ها می‌تواند دموکراسی را تقویت کند.

۱-۲-۳- نکات منفی

ادله مخالفین به دو دسته تقسیم می‌شوند ابتدا افرادی ادله موافقین را نقض می‌کنند و در سوی دیگر عده‌ای ادله مستقلی را برای مخالفت با نظام پارلمانی عنوان می‌کنند.

در مخالفت با ادله موافقین

در نقض دلیل نخست موافقین نظام پارلمانی، مخالفان در مقابله با این استدلال به مصادیقی از جمله بحران برگزیت در دولت کنونی ترزا می و انحلال پیاپی مجالس کشورهای پارلمانی جهان

به علت عدم هماهنگی با دولت‌ها (مثل کشور ایتالیا) اشاره می‌کنند. مخالفان دلیل دوم را نیز رد می‌کنند و می‌گویند: اتفاقاً در نظام پارلمانی واسطه پارلمان باعث می‌شود تا حق انتخاب مستقیم مردم سلب شود و در نظام انتخاباتی تناسبی احزاب باعث می‌شوند که حتی نظام انتخاباتی پارلمان نیز مستقیم نباشد و رئیس قوه مجریه نیز با دو واسطه انتخاب شود، مضاف بر این که در نظام پارلمانی اکثریت حزبی به قدرت می‌رسد که اکثریت مطلق جامعه به او رأی ندادند، در حالی که چنین ایرادی در نظام ریاستی و نیمه ریاستی با ملاک قراردادن نظام اکثریت مطلق همه آحاد ملت در انتخابات ریاست جمهوری برطرف می‌شود.

اهم ادله مستقل مخالفان نظام پارلمانی به شرح زیر است:

نخست، نظام پارلمانی مغایر با تفکیک قوا و حتی نظارت و تعادل است چرا که عملاً یک قوه بر قوای دیگر برتری پیدا می‌کند. دوم، در نظام پارلمانی انگار به دولت به عنوان یک گوشت قربانی نگاه می‌کنند چراکه به علت عدم امکان کسب اکثریت مطلق توسط یک حزب مقام‌های دولت باید بین احزاب تقسیم می‌شود. این فعل باعث می‌شود که دولت در این سیستم نتواند عملکرد شایسته و هماهنگی از خود نشان دهد. سوم، نظام پارلمانی بعضاً به بی‌ثباتی شدید منجر می‌شود چرا که در بسیاری از موارد احزاب نمی‌توانند با هم دیگر توافق برسند و کشور مدتها از وجود یک دولت با ثبات مستقر محروم می‌شود بی‌دولتی و برگزاری انتخابات‌های زود هنگام پیاپی در کشورهای مختلف از شواهد این موضوع محسوب می‌شوند. (همان، ۲۳۰) چهارم، در نظام پارلمانی تقریباً شأن قوه مجریه به کمیسیون اجرایی پارلمان تقلیل می‌یابد و دیگر نمی‌توان این قوه را یک قوه مستقل دانست فلذا پارلمان نمی‌تواند به وظیفه تاریخی خود یعنی نظارت بر قوه مجریه به درستی عمل کند چراکه در چنین حالتی وحدت ناظر و مجری به وجود می‌آید. پنجم، در نظام‌های پارلمانی شأنیت پارلمان نیز زیر سوال می‌رود چرا که هرگاه دولت شکست بخورد و یا حتی با کوچکترین اختلاف درونی مواجه شود پارلمان نیز منحل می‌شود. ششم، تجربه کشورهای جهان به ما نشان داده که نظام پارلمانی بدون وجود احزاب قدرتمند سابقه دار عمل صالح به انتفاء موضوع است و تجربه کشورهایی چون عراق پاکستان لبنان نشان داده که نمی‌توان پس از استقرار نظام پارلمانی لزوماً به موفقیت احزاب رسید.

نظام‌های پارلمانی با توجه به شرایط محیطی محیطی مکانی و زمانی و تاریخی اروپا در این قاره موفق بوده اند و البته بسیاری از کشورهای مشترک المنافع انگلیس و مستعمره سابق این کشور یعنی هند هم توانسته اند به خوبی از نظام پارلمانی بریتانیا الگو برداری کنند. از این رو به نظر می‌رسد اصلاح رژیم حکومتی در این کشورها چندان کار معقول و درستی نباشد. البته برخی معتقدند این رژیم حتی در برخی نظام‌های اروپایی از جمله ایتالیا و یونان نیز با شکست مواجه شده است. برخلاف این کشورها، در سایر کشورهای جهان، نظام پارلمانی در اکثریت کشورهای جهان همچون لبنان، عراق و پاکستان برکتی جز بی ثباتی، ضعف دولت مرکزی به ارمان نیاورده چراکه هنوز نظام تحزب این کشورها به نقطه بلوغ نرسیده است. به نظر می‌رسد بهتر باشد که پس از مطالعه شرایط محیطی، محاطی، مکانی و زمانی کشورهای مختلف در مورد آن‌ها نظر بدهیم.

۱-۳- نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی

مشکلات دو نظام مذکور را برای ایده‌ای جدید گشود. شاید بتوان فرانسه را آغازگر این مسیر دانست. (هریسی نژاد، ۱۷۷-۱۸۱) در ادامه بیشتر به تفصیل این مدل خواهیم پرداخت.

۱-۳-۱- هسته مرکزی مدل

ویژگی‌های نظام نیمه پارلمانی یا نیمه ریاستی:

نخست، تبلور حاکمیت جمهوری در دو انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان پارلمان، دوم، انتخاب رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم، سوم، تفکیک نسبی صلاحیت‌ها و وظایف حکومتی بین مجریه و مقننه؛ چهارم، فقدان مسئولیت سیاسی رئیس کشور و مسئولیت سیاسی رئیس دولت به پارلمان؛ پنجم، مشارکت و همکاری قوه مجریه در فرایند قانونگذاری؛ ششم، دو رکنی بودن قوه مجریه و تفکیک مقام ریاست کشور از ریاست دولت؛ هفتم، وجود مکانیزم‌های نظارت و کنترل برای دولت و پارلمان در مقابل یکدیگر؛ (زارعی، ۹۴)

همانگونه که مشاهده شد این سیستم برآیندی از دو مدل ریاستی و پارلمانی است. فی المثل از پارلمانی وجود نخست وزیر و از ریاستی شیوه خاص انتخاب رئیس جمهور را انتخاب کرده است. نکته جالب توجه نظام نیمه ریاستی، اختیارات خاص رئیس جمهور است. (گرچی از ندریانی، ۲۳۳) فی المثل رئیس جمهور از اختیار انحلال مجلس برخوردار است. در حالی که حتی در ریاستی نیز چنین اختیاری برای رئیس جمهور در نظر گرفته نمی‌شود.

۱-۳-۲- نکات مثبت

موافقان این رژیم، آن را عاری از معایب رژیم‌های پارلمانی و ریاستی می‌دانند. آنها گمان می‌کنند با مطرح کردن نخست وزیر، از اقتدار رئیس جمهور کاستند و با اعطای حق احلال به رئیس جمهور مانع از بروز بحران میان پارلمان و دولت می‌شوند. با اعطای نقش قابل توجه پارلمان در چینش دولت و رئیس آن مزایای نظام پارلمانی را به دست آوردند و با اعطای نقش قابل توجه به رئیس جمهور، بتوانند تا آن جایگاه موجود در نظام ریاستی را احیا کنند. (همان)

۱-۳-۳- نکات منفی

با وجود ایده‌ها به نظر می‌رسد در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای تازه استقلال یافته بلوک شرق، تجربه نظام‌های نیمه ریاستی نیمه پارلمانی چندان مطلوب نبوده است. برخی از مشکلات این رژیم‌ها به شرح زیرند:

نخست، در بسیاری از این کشورها با رؤسای جمهور مادام العمر و یا طویل‌المدت مواجه شدیم. دوم، نزاع‌های قومی و قبیله‌ای در برخی از این کشورها وجود دارد و این نظام نتوانسته به آن پاسخ دهد. سوم، صرفاً مظاهر دموکراسی باقی ماند و دموکراسی از درون تهی شد. چهارم، در کشوری همچون جمهوری وایمار مشکلات عدم ثبات پدیدار شد.

۱-۴- مدل برگزیده

از مقایسه ویژگی‌های مهم نظام‌های حکومتی فوق، نکات زیر قابل استنباط می‌باشد:

اول: تجارب تاریخی و تحولات اجتماعی و سنت‌ها و آداب اجتماعی یک ملت نقش مهمی در شکل‌گیری نظام سیاسی و نوع و شیوه حکمرانی دارد، لیکن جوهره سنت دموکراسی در جوامع مختلف اصول کم و بیش یکسان و مشابهی را دنبال کرده است، اگرچه در شیوه‌ها و سازماندهی اقتدار دموکراتیک تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. دوم: حاکمیت و اراده برتر در جامعه سیاسی از نوع جمهوری است و جمهوریت نظام‌ها از طریق انتخابات آزاد مقامات عالی سیاسی و حکومتی مانند رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس و همه پرس‌ها و پاسخگویی دموکراتیک آنها به مردم به ظهور می‌رسد. سوم: چگونگی تبلور و تجسم اراده مردم و حاکمیت جمهوری در ساختارها و تشکیلات کلان حکومتی عامل اساسی تعیین‌کننده چگونگی روابط قوای حکومتی و مجریه و مقننه با یکدیگر شده است. به عبارت بهتر، شیوه ظهور حاکمیت مردمی و جمهوری در نهادهای اجرایی یا تقنینی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری نظام ریاستی، پارلمانی یا نیمه پارلمانی داشته است. چهارم: از نظر سیاسی ثبات و استقرار نظام سیاسی تا حدود زیادی متناسب و منطقی قدرت سیاسی بین قوای حکومتی و مکانیزم‌های همکاری قوا وابسته است. عدم رعایت منطقی تفکیک قوا و یا توزیع غیر اصولی و نادقیق قدرت سیاسی و صلاحیت‌ها بین نهادهای عالی حکومت از موجبات ناپایداری ثباتی حکومت و منشأ تعارضات ساختاری، عدم تجانس نهادها، سوءاستفاده اختیارات و صلاحیت‌ها، روابط مشوش قوا با یکدیگر، ناکارآمدی قوانین و مقررات، خنثی‌سازی برنامه‌ها و سیاستها و تنش و روابط سیاسی و نهادهای عالی حکومتی خواهد بود؛ پنجم: مستقیم یا غیرمستقیم بودن رأی مردم در انتخاب مقامات عالی و نهادهای حکومتی نقش مهمی در سازماندهی حکومت و بکارگیری قواعد بازی و شیوه تعامل قوا با یکدیگر دارد. به عنوان مثال، انتخاب مستقیم رئیس کشور به وسیله مردم در نظام ریاستی و نظام نیمه پارلمانی موجب نوعی مصونیت سیاسی و عدم پاسخگویی وی در مقابل پارلمان شده است و پاسخگویی رئیس دولت (نخست وزیر) به پارلمان ناشی از منصوب پارلمان بودن اوست.

به بیان دیگر تفکیک قوا تنها یک حلقه از یک زنجیر است و برای پیاده‌سازی مدل مناسب تفکیک قوا باید به نکات متعددی توجه داشت.

۲- روابط میان مجریه و مقننه

در این بند ابتدا به مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی این روابط در دو کشور خواهیم پرداخت، سپس به تفکیک در ریاست قوه مجریه و تفکیک ساختاری و کارکردی پارلمان از قوه مجریه خواهیم پرداخت.

۲-۱- مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی

در این قسمت کوشیده می‌شود؛ مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی در هر یک از دو کشور مورد بحث قرار گیرند.

۲-۱-۱- مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی تفکیک قوا در ایران

در ایران پیش از قیام مشروطه در ۱۲۸۵ هجری نمودی از تفکیک قوا دیده نمی‌شد. در قانون اساسی نیز اثری از تفکیک قوا وجود نداشت، اما در متمم قانون اساسی مشروطه تفکیک قوا مورد توجه واقع شده بود. به موجب این متن: «قوای ممکت به سه شعبه تجزیه می‌شود: اول: قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است. دوم: قوه قضاییه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات. سوم: قوه اجراییه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام به توسط وزراء و مامورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء می‌شود به ترتیبی که قانون معین می‌کند.»^۱

^۱ اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مشروطه

حتی در مورد تفکیک قوا این قانون اشعار داشت: « قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگرممتاز و منفصل خواهد بود. »^۱

با وجود این تأکیدات قانون اساسی، در همان متن اقتدارات گسترده‌ای برای پادشاه در نظر گرفته بودند. (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۹: ۳۸-۴۱) در عمل نیز چندان به آن اعتنا نشد. پس از آن پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأسی از قانون اساسی فرانسه نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی را برای ایران منظور کرد. البته در مجلس بررسی طرح نهایی پیش نویس قانون اساسی، تغییرات عمده‌ای در این متن به وجود آمد. در بازه ۱۳۵۸-۱۳۶۸ نظام بی بدیلی در ایران مشتمل بر رهبر، نخست وزیر، رئیس جمهور پدیدار شد. در اصلاحات سال ۱۳۶۸ تفکیک قوا در ایران نظم جدیدی یافت. با این همه به تعبیر برخی نویسندگان، مدل خاصی از تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۶) به تعبیر تعدادی دیگر از نویسندگان اصولاً در ایران مفهوم کلاسیک تفکیک قوا وجود ندارد. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۸) در ادامه بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲- مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی تفکیک قوا در آمریکا

می‌توان آمریکا را به عنوان نخستین مصداق جمهوری دموکراتیک با نظام ریاستی دنیا قلمداد کرد. برای درک بیشتر و بهتر نظام سیاسی حقوقی آمریکا کندوکاو تاریخی ضرورت دارد. در ابتدا آمریکا به نوعی مستعمره بریتانیا بود. شرایط نابه‌سامان بریتانیا در دهه ۱۷۶۰ و بالخصوص بدهی‌های این کشور ماحصل از جنگ بریتانیا و فرانسه باعث شد که در سال ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵ پارلمان بریتانیا با تصویب دو قانون قانون شکر و قانون تمبر برای نخستین مرتبه از آمریکایی‌ها مالیات‌های قابل توجهی بگیرد. مردم این ۱۳ مستعمره نشین با این تصمیم موافق نبودند و اعتراضات شدید داشتند. (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۳۷۷-۳۷۸) در نهایت کنگره فیلادلفیا در چهارم ژوئیه ۱۷۷۶ استقلال سیزده مستعمره آمریکایی انگلستان را اعلام نمود. (دان ناردو، ۱۳۹۴: ۴۷)

^۱ اصل ۲۸ متمم قانون اساسی مشروطه

اگر نتیجه انقلاب ۱۶۸۸ رساله دوم جان لاک در خصوص جامعه مدنی بود، محققا نتیجه انقلاب ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال بود. (دهشیار، ۱۳۸۹: ۳۳) در اعلامیه استقلال آمریکا مردم جایگزین شاه شده بودند. (زولر، ۱۳۹۶: ۱۳۸)

در ابتدا شیوه حکومت آمریکا کنفدرال و بدون قوه مجریه بود. هر ایالت یک نماینده در مجلس کنفدراسیون آمریکا داشت. (همان، ۲۷-۲۹) اتفاق دول آمریکا نمی‌توانست ادامه پیدا کند زیرا روابط موجوده میان دول متفق فوق العاده ضعیف و اختیارات کنگره بی اندازه محدود بود. اتفاق سیزده دولت مستقل بایستی منحل و یا تبدیل به دولت متحده گردد. اکثر ایالات به تشکیل دولت متحده مایل بودند. (وب، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۵) از این رو در ۱۷۸۷ بنا به پیشنهاد نمایندگان دولت نیوجرسی کنگره تصمیم گرفت که در چهاردهم ماه مه همان سال در فیلادلفیا کنگره جدیدی برای رسیدگی به موضوع مورد بحث تشکیل گردد. بعضی از ممالک با تجدیدنظر در میثاق مخالفت می‌نمودند به طوری که کنگره با ده روز تأخیر در ۲۴ ماه مه ۱۷۸۷ با حضور نمایندگان ایالات به ریاست واشنگتن تشکیل گردید. (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۳۷۹) ثمره کوشش نمایندگان کنفدراسیون نگارش قانون اساسی آمریکا در ۱۷۸۷ میلادی بود. در این راستا، نظام کنفدراتیو به فدراتیو تغییر پیدا کرد، برای نخستین بار سمتی تحت عنوان «ریاست جمهوری» بنیان نهاده شد و با نگرشی از جنس اندیشه‌های جان لاک به تفکیک قوای مونتسکیو نظام ریاستی پدیدار گشت. در واقع نظام سیاسی آمریکا از جهات نگارش قانون اساسی، نظام جمهوری، سمت ریاست جمهوری، نظام ریاستی، تفکیک قوا، نخستین بود. به نظر می‌رسد نمایندگان کنفدراسیون از سویی به علت تمایل به دیدگاه‌های منتسکیو و از سوی دیگر به علت واهمه از دیکتاتوری جمعی نظام ریاستی را بر نظام پارلمانی ترجیح دادند اما در نظام دو مجلسی آمریکا گرایش جان لاک و تساهل و تسامح مشهود بود. (دهشیار، ۴۷-۵۴)

می‌توان به وضوح تمایز دو کشور و تفاوت مسیر پیموده شده توسط هر یک را دید. ایرانی‌ها در جهت کاهش اقتدار حاکم کوشیدند و امریکایی‌ها گونه‌ای از تمرکز را خلق کردند و آن را به تدریج گسترش دادند.

۲-۲- ریاست کشور، ریاست دولت

در این قسمت به ساختار ریاست قوه مجریه در دو کشور می‌پردازیم

۲-۲-۱- دوگانه اجرایی

در ایران دوگانه‌ای وجود دارد که یک سر آن رهبری و رأس دیگر آن رئیس جمهور است. وفق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران « پس از مقام رهبری رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. »^۱ در این اصل همزمان دو شأن ریاست کشور و ریاست قوه مجریه را برای مقام رهبری در نظر گرفته است. وفق اصل ۱۱۰ رهبری فرمانده کل قوا و مسئول جنگ، صلح و بسیج نیروهای مسلح است. این اصل وظایف اجرایی متعددی را به رهبری واگذار کرده است که برخی از این موارد به شرح زیر اند:

« ۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۶. نصب و عزل و قبول استعفای: *پژواک جامعه و مطالعات فرهنگی*

ج. رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

د. رییس ستاد مشترک.

ه. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و. فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی. »

^۱ اصل ۱۱۳ قانون اساسی

با عنایت به اصول بالا و جایگاه رهبری در این اصول تجلی دوگانه موجود در نظام نیمه ریاستی نیمه پارلمانی در نظام ایران به ذهن متبادر می‌شود، اما با عنایت به سایر اصول، نادرست بودن این گزاره مشخص می‌شود. وفق قانون اساسی؛ «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»^۱ و «قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»^۲ رهبری در این سیستم در ذیل قوه مجریه قرار ندارد، بلکه در بالای هر سه قوه دیده می‌شود. وجود این جایگاه حوزه عمل محدودی را برای رئیس جمهور باقی گذاشته است.

در ایران رئیس جمهور برای ۴ سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او برای یک دوره متوالی دیگر ممکن است، اما هیچ منع زمانی برای رهبری وجود ندارد. سازوکار نظارت بر رئیس جمهور در اصول ۸۸، ۸۹ و ۱۱۰ قانون اساسی پیش بینی شده، اما در مورد رهبری صرفاً به شکل گذرا از آن یاد شده است. اختیار رئیس جمهور در انتخاب وزرا محدود شده، اما چنین محدودیتی برای رهبری در نظر گرفته نشده است.

۲-۲-۲- رئیس جمهور مقتدر

امروزه ریاست جمهوری نهاد مسلط در زندگی سیاسی آمریکاست. پایه‌گذاران این کشور به دنبال یک قوه‌ی مجریه‌ی قوی و تقویت نهاد ریاست جمهوری بودند. قدرت و استقلال این نهاد به گزینش رئیس جمهور در یک انتخابات همگانی توسط مردم و همچنین به نقش قوه‌ی مجریه در روابط بین المللی و امور دفاعی بر می‌گردد. اختیارات و استقلال این نهاد به گزینش رئیس رئیس جمهور گسترده است. در آمریکا انتخاب رئیس جمهور مهمترین دوران زندگی

^۱. اصل ۵ قانون اساسی

^۲. اصل ۵۷ قانون اساسی

سیاسی در آمریکا است و یکی از موافقی است که رای دهندگان واقعا احساس می کنند که در سطح فدرال مبادرت به انتخاب می نمایند و احزاب سیاسی که بیشتر محدود در حوزه ی ایالات خود هستند به یک هویت ملی دست می یابند. جمهور برای مدت چهار سال انتخاب می شود. از ابتدا، رویه و عرف بر این بود که یک فرد بیش از دو بار نمی تواند رئیس نخستین رئیس جمهور این کشور جورج واشنگتن انجام داده بود. پس از آن که جان فرانکلین روزولت برای چهار دوره ی پیاپی (۱۹۶۵-۱۹۳۳) رئیس جمهور شد، بیست و دومین اصلاحیه ی قانون اساسی در سال ۱۹۵۱، ریاست جمهوری را فقط برای دو دوره محدود کرد. در صورت مرگ، استیضاح و عزل و یا استعفای رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور که همزمان با او انتخاب می شود جای او را تا پایان مدت ریاست جمهوری می گیرد. اگر معاون در دو سال نخست ریاست جمهوری جانشین او گردد، تنها برای یک بار دیگر می تواند به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. با بیست و پنجمین بازنگری قانون اساسی در سال ۱۹۶۷، در صورت فقدان معاون اول رئیس جمهور، رئیس جمهور فردی را برای معاونت خویش معرفی می کند که آن فرد پس از تأیید مجالس آغاز به کار می کند. (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۳۸)

بیست و پنجمین بازنگری قانون اساسی در سال ۱۹۶۷، آیین و چگونگی احراز ناتوانی رئیس جمهور توسط کنگره را در صورت ضرورت، پیش بینی کرده که به موجب آن در صورت ناتوانی، معاون رئیس جمهور، رئیس جمهور می شود. رئیس جمهور از اختیارات قابل توجهی در امور قضایی و تقنینی برخوردار است و می تواند به صدور فرمان اجرایی بپردازد. او در مسائل اجرایی و تقنینی نیز از اختیاراتی برخوردار است. (هریسی نژاد، ۱۴۵-۱۴۹)

همانگونه که ملاحظه شد در ایران دو گانه ای در رأس قوه مجریه وجود دارد، اما نمی توان این دو گانه را مشابه دو گانه نظام نیمه ریاستی قلمداد کرد. یگانگی قدرت مدنظر نظام های ریاستی در ایالات متحده آمریکا رعایت شده است.

۲-۳- روی کار آمدن کابینه

در این خصوص ابتدا به ایران و سپس به آمریکا می پردازیم.

۲-۳-۱- از رأی اعتماد تا استیضاح

در مورد نسبت ساختاری کابینه و مجلس چند نکته وجود دارد:

نخست، به سان عمده کشورهای دیگر مجلس نقش پررنگی در روی کار آمدن وزرا دارد. وفق قانون اساسی: «وزراء توسط رییس جمهور تعیین و برای رفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.»^۱ این اصل بیانگر اختیار گسترده مجلس در چینش وزراء، تعداد وزراء، مسئولیت‌های هر کدام از آنان و حتی تا حدی ساختار وزارتخانه است. وفق اصول ۸۸ و ۸۹ نیز مجلس از اختیارات وسیعی برای سوال از وزرا یا استیضاح آنان برخوردار است.

دوم، به رغم مورد نخست رئیس جمهور می‌تواند معاونانی داشته باشد و این معاونان به هیچ عنوان تشریفاتی نیستند. وفق قانون اساسی: «رییس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رییس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسوولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت.»^۲ در ظاهر امر مجلس با اتکا به اصول ۱۳۳ و ۷۱ می‌تواند معاونتها را به وزارتخانه تبدیل کند. در واقع مجلس می‌تواند وجود معاونت‌های ریاست جمهور را از حیز انتفاع ساقط کند، اما این نگاه چندان صحیح نیست چراکه وفق این متن «رییس جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.» در این قسمت مجلس نمی‌تواند برای تشکیل وزارتخانه یا حتی ساختار خاصی در مورد این امور به رئیس جمهور موضوعی را تحمیل کند.

سوم، رئیس جمهور در ساختاری کاملاً مجزا از مجلس انتخاب می‌شود، اما در عین حال وفق اصول ۸۸ و ۸۹ در برابر پارلمان نیز پاسخگوست و مسوولیت او سیاسی است. قسمتی از

۱. اصل ۱۳۳ قانون اساسی

۲. اصل ۱۲۴ قانون اساسی

این موضوع یادآور نظام ریاستی و قسمت آخر به یادآورنده نظام پارلمانی و یا نیمه ریاستی نیمه پارلمانی است.

به نظر می‌رسد قانون اساسی در تنظیم روابط کابینه و پارلمان از یکی از ۳ مدل مشهور تفکیک قوا به شکل کامل پیروی نکرده است.

۲-۲-۲- از عمل اداری تا عمل نادر

رئیس جمهور وزرا و سایر مامورین عالی رتبه نظامی و کشوری ایالات متحده را انتخاب و عزل می‌نماید و اما انتخاب مامورین فوق الذکر مستلزم موافقت مجلس سنا می‌باشد سابقا برای عزل وزرا و سایر مامورین عالی مقام نیز تصویب مجلس سنا لازم بود ولی به موجب قانون ۱۸۸۷ این حق از مجلس سنا سلب گردیده است.

کابینه مرکب از پانزده وزیر است که هر یک مسئولیت یک وزارتخانه را بر عهده دارند. انتصاب آنها با رئیس جمهور است که باید به تایید مجلس سنا برسد. و به طور فردی در برابر رئیس جمهور مسئول و موظف به پیروی از دستورات وی می‌باشند و آنها می‌توانند توسط وی برکنار شوند. با این حال، رئیس جمهور در ترکیب کابینه‌ی خود به معادلات جغرافیایی و منافع متعدد توجه می‌نماید. برخلاف نظام‌های پارلمانی، در این نظام سیاسی، کابینه یک نهاد جمعی و شورایی نیست و در برابر کنگره مسئولیت ندارد. اعضای کابینه به عنوان همکاران رئیس جمهور به وی مشورت می‌دهند ولی وی هیچ گونه تکلیفی به مراجعه به آنها را جهت مشاوره ندارد. معروف است که آبراهام لینکلن رئیس جمهور این کشور گفته بود: «هفت آری، یک نه من، نه برنده است». با وجود این، ممکن است شخصیت‌های قدرتمندی در کابینه حضور داشته باشند که رئیس جمهور نتواند آنها را نادیده بگیرد مانند هنری کیسینجر استاد علوم سیاسی و وزیر امور خارجه‌ی در دوره‌ی ریاست جمهوری نیکسون. وزیران در حوزه‌ی وزارتخانه‌ی خود دارای اختیارات زیادی هستند. مهمترین این وزیران عبارتند از: وزیر امور خارجه، وزیر خزانه داری، وزیر دفاع، وزیر کشور (وی نه متصدی پلیس و صلاحیت ایالات بلکه اختیارات آن مربوط به

منابع طبیعی است) و وزیر دادگستری که مامور امنیت داخلی است و FBI زیر نظر وی قرار دارد. (عباسی، ۱۴۰) بنابر نظر برخی نویسندگان رأی موافقت سنا به منصوبین رئیس جمهور، عملی اداری و فرایند Impeachment عملی شبه قضایی است. (قاضی شریعت پناهی، ۴۹۳-۴۹۶)

همانگونه که مشاهده کردید استقلال کابینه از پارلمان در ایالات متحده آمریکا بیشتر از جمهوری اسلامی ایران است، اما در سیستم آمریکا بدیلی برای معاون رئیس جمهور در ایران وجود ندارد.

۲-۴- تفکیک پارلمان از دولت در صلاحیت ها

در قسمت قبلی به تفکیک ساختاری پرداختیم و در این قسمت به تفکیک صلاحیت‌ها می‌پردازیم.

۲-۴-۱- اقتدار مجلس

در ایران مجلس از اقتدارات زیادی در مورد دولت برخوردار است. این موضوع به صلاحیت‌ها در مورد وزارتخانه‌ها محدود نمی‌شود. وفق قانون اساسی « مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. »^۱ وفق اصل ۱۲۳ نیز رئیس جمهور از هیچ صلاحیتی در وتوی موقت یا دائم مصوبات مجلس برخوردار نیست. همین دو اصل برای محدود کردن دولت در بسیاری از امور کفایت می‌کند، اما قانون اساسی به این مورد اکتفا نکرده است. در اصول ۷۷ تا ۸۳ قانون اساسی با احصا موارد متعدد صلاحیت‌های انحصاری برای مجلس بر شمرده است. علاوه بر صلاحیت‌های ساختاری و هنجار گذاری، قانون اساسی در اصل ۸۵ به صراحت تفویض تقنین به دولت را مورد منع قرار داده است.

موارد فوق حکایت از رعایت استقلال قابل توجه دولت و مجلس در امر تقنین است، اما قانون اساسی به این موضوع کفایت نکرده است. وفق اصل ۱۳۸ قانون اساسی رئیس مجلس از

^۱. اصل ۷۱ قانون اساسی

اختیار ویژه‌ای در غیر اجرایی کردن مقررات دولت برخوردار است. همانگونه که مشاهده شد گونه‌ای از توازن میان دو قوه وجود ندارد، بلکه به شکل مشخص کفه به سمت پارلمان سنگینی می‌کند.

۲-۳-۱- نظارت و تعادل

در موارد متعددی تفکیک میان قوای مجریه و مقننه در آمریکا به شکل مطلق وجود ندارد. برخی از این موارد به شرح زیر است. نخست، رییس جمهور می‌تواند در مدت ۸ روز بعد از وصول مصوبه مجلسین، آن را برای تجدیدنظر به کنگره برگرداند و اگر در هر دو مجلس، همان مصوبه به اکثریت دو ثلث آراء قبول گردید در این صورت رییس جمهور وظیفه دارد، آن قانون را اجرا کند. صلاحیت رئیس جمهور در وتو قوانین خلاف تفکیک مطلق قواست از همین رو می‌گویند که در آمریکا نیز تفکیک قوا به شکل مطلق وجود ندارد. دوم، هرچند رییس جمهور می‌تواند قراردادهای سیاسی و تجاری با ممالک خارجه امضا کند، اما قراردادهای مزبور قبل از اجرا باید از طرف دو ثلث نمایندگان مجلس سنا تأیید شود، ضمن این که قراردادهایی با بار مالی برای دولت آمریکا باید به تصویب هر دو مجلس برسد. البته مجلس نمایندگان نمی‌تواند تغییراتی در متن قرارداد و صرفاً حق دارد قراردادها را کلاً رد یا قبول کند. (قاسم زاده، ۳۸۲) رئیس جمهور برای دور زدن سنا می‌تواند موافقتنامه‌هایی به شکل ساده موسوم به موافقت نامه‌های اجرایی ببندد که نیازی به تأیید سنا با رای اکثریت دوسوم ندارد. این موافقتنامه‌ها که دیوان عالی کشور اعتبار آنها را در سال ۱۹۳۷ پذیرفته، به طور وسیعی گسترش یافته‌اند و قوهی مجریه به طور مکرر از آن استفاده کرده است. در ابتدای این موافقت نامه‌ها عمدتاً جنبه‌ی فنی داشتند ولی سپس این امکان را به رئیس جمهور دادند که در پایان جنگ جهانی دوم موافقتنامه‌های مهمی همانند یالتا و پوتسدام را خود امضا و تصویب نماید. مهمترین این موافقت نامه‌ها می‌توانند توسط رئیس جمهور برای تأیید به دو مجلس با رای اکثریت ساده ارجاع شوند. ولی به موجب قانون Case Act مصوب سال ۱۹۷۲، کنگره، رئیس جمهور را مکلف کرده است که هرگونه موافقت نامه (و نه مفاد و محتوای آنها) را به کنگره در ظرف مهلت

شصت روز اطلاع دهد. کنگره نیز می‌تواند در ظرف مهلت شصت روز با یک قطعنامه‌ی ویژه آن را رد نماید. (لاهیجی، ۱۴۲)

سوم، رئیس جمهور فرماندهی کل قوای زمینی و دریایی و هوایی را برعهده دارد، او مجاز نیست بدون تصویب پارلمان اعلان جنگ دهد، اما در حین جنگ و یا شورش داخلی می‌تواند وضع قوانین کند. (قاسم زاده، ۳۸۲) رئیس جمهور فرمانده نیروهای مسلح است و عملیات نظامی را رهبری و هدایت نماید. همان گونه که کنگره به طور انحصاری دارای اختیار اعلان جنگ است، رئیس جمهور نیز در امور دفاعی نقش مهمی دارد. او در عمل، دکترین نظامی ایالات متحده را تعیین و می‌تواند درباره فرستادن نیروهای مسلح این کشور به خارج از مرزها بدون اعلان جنگ تصمیم بگیرد. مانند فرستادن ارتش آمریکا به کره توسط رئیس جمهور جانسون در سال ۱۹۹۰، محاصره‌ی کوبا در سال ۱۹۹۲، فرستادن نیرو به جنوب ویتنام در سال ۱۹۹۵، اشغال جزیره‌ی گرانادا، یا مین گذاری بندرهای نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۳، بمباران لیبی در سال ۱۹۸۹، پیاده کردن نیروهای نظامی در پاناما در سال ۱۹۸۳ و در هائیتی در سالهای ۱۹۸۶ و ۲۰۱۰ و... تا سال ۱۹۷۳، رئیس جمهور می‌توانست درباره‌ی عملیات نظامی بدون مراجعه به کنگره تصمیم‌گیری نماید و کنگره تا این سال با این مداخلات نظامی مذکور رئیس جمهور مخالفت نکرد و در سال ۱۹۶۴ به رئیس جمهور اختیار داد طور آزادانه تصمیم‌گیری کند تا بتواند جلوی تجاوز به کشور را در آینده را بگیرد. به دنبال جنگ ویتنام بود که کنگره قانون اختیارات جنگی مصوب ۷ نوامبر سال ۱۹۷۳ اختیارات رئیس جمهور را محدود کرد. بنابراین قانون، رئیس جمهور می‌تواند در صورت تهدید جدی برای کشور بدون کسب موافقت قبلی سنا و بنا به تشخیص خود نیروهای مسلح را به خارج از مرزها فرستاده و عملیات نظامی را آغاز نماید. رئیس جمهور برای اثبات وضعیت اضطراری شصت روز فرصت دارد. پس از این مدت کنگره می‌تواند با تصمیم رئیس جمهور را تایید یا آن را رد و در نتیجه، عملیات نظامی را متوقف نماید بدون این که با وتوی رئیس جمهور روبرو شود یا نیروهای نظامی اعزامی به خارج را به کشور فراخواند. پیش از این مدت نیز در هر هنگام بنا به درخواست کنگره این کار باید صورت گیرد. در این مدت شصت روزه، رئیس جمهور می‌تواند کنگره را در برابر عمل انجام شده

قرار دهد. بعلاوه گفتنی است که مداخلات نظامی یادشده غالباً در مدت کوتاهی صورت گرفته‌اند. بدین ترتیب بود که کنگره در سال ۱۹۹۱ به جورج بوش اجازه‌ی استفاده از نیروهای نظامی را علیه عراق به دنبال قطعنامه‌ی مصوب سازمان ملل داد. در همین راستا ولی بدون موفقیت زیادی کنگره می‌خواست در سال ۱۹۷۵ به موجب قانون نظارت بر صادرات جنگ افزارها (Arms Export Control Act) بر صادرات اسلحه نظارت نماید. (لاهیجی، ۱۴۳۰/۱۴۴)

چهارم، رئیس جمهور نمی‌تواند مجالس مقننه را منحل یا تعطیل کند، اما در موارد ضروری حق دارد اعضای کنگره را برای تشکیل جلسات فوق العاده دعوت نماید. (قاسم زاده، ۳۸۲) پنجم، رئیس جمهور در پیام سالانه خود به کنگره، می‌تواند تصویب قوانی پیشنهاد کند یا استراتژی ویژه‌ای را در تصمیم‌های تقنینی بخواهد که البته کنگره در تأیید یا رد آن مخیر است. ششم، رئیس جمهور، نسبت به مصوبات گوناگون کنگره، یک بار حق «وتوی تعلیقی» اعمال کند، یعنی می‌تواند اجرای قانون مصوب را معلق کند. ولی هر یک از مجلس نمایندگان یا سنا هنگام بحث مجدد در باب همان لایحه، در صورتی که با اکثریت دو سوم آراء آن را تصویب کرد، قانون قابل اجرا خواهد بود. هفتم، معاون رئیس جمهور، ریاست مجلس سنا را برعهده دارد. هشتم، مجلس سنا در برخی از امور اجرایی مداخله می‌کند، مثلاً انتصاب کارکنان عالی مقام اجرایی و دیپلماتیک باید با موافقت سنا انجام گیرد. نهم، فرایند Impeachment: این فرایند به رئیس جمهور انحصار ندارد و قوه مقننه می‌تواند هر مقام اجرایی قضایی تقنینی را در سطوح مختلف ملی، ایالتی و محلی با این فرایند برکنار کند. البته این فرایند استیضاح سیاسی، اداری نیست و می‌توان گفت از بازمانده‌های سنت انگلیسی در استیضاح قضایی مقامات است. البته این مقامات بعضاً از گونه‌ای مصونیت نیز برخوردار اند. با ملاحظه مراتب فوق، گروهی از حقوق دانان از به کار بردن واژه «تفکیک مطلق قوا» خودداری می‌کنند زیرا آن را عملی نمی‌دانند و ترجیح می‌دهند که به جای صفت «مطلق» از «انعطاف‌ناپذیر» یا «کم انعطاف» استفاده کنند. (قاضی شریعت پناهی، ۳۱۸)

همانگونه که ملاحظه شد در آمریکا گونه‌ای از تعادل میان قوای مجریه و قوه مقننه وجود دارد. در جمهوری اسلامی ایران روابط میان قوه مجریه زیر نظر رئیس جمهور و مجلس از حالت توازن خارج شده و مجلس از دست بالاتر برخوردار است.

۲-۵- دو فضای متفاوت از دوگانه مجریه مقننه

همانگونه که مشاهده شد، در جمهوری اسلامی ایران با احتساب مقام رهبری، چندان تفکیک خاصی میان قوه مجریه و سایر قوا وجود ندارد و با خروج رهبری از محاسبات، ما با تلفیقی از ویژگی‌های مختلف نظام‌های مختلف ریاستی، پارلمانی و نیمه پارلمانی مواجه ایم. اقتدارات تقنینی مجلس و اقتدارات مجلس در قبال کابینه به نظام پارلمانی شباهت دارد. استقلال شیوه انتخاب رئیس جمهور از شیوه استقرار مجلس مشابه نظام‌های ریاستی است و وجود معاونت ریاست جمهور به هیچ یک از قرائات شباهت ندارد. در ایالات متحده آمریکا روابط تا حدی متوازنی برقرار شده است و البته قوا در حالت انفکاک کامل نیستند و با هم همکاری می‌کنند.

۳- تفکیک قوا در فراتر از قوای مجریه و مقننه

در این قسمت با نگاهی فارغ از روابط قوه مجریه و مقننه به موضوع نگریسته می‌شود.

۳-۱- قوه قضاییه

در این قسمت ابتدا قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و سپس قوه قضاییه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱- قوه قضائیه ایران

در اصول ۱۲۹ و ۱۴۰ پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ از دو نهاد دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری نام برده شد اما از طریق انتخاب و کم و کیف اعضا و عضویت چیزی نوشته نشده بود و در واقع طبق اصل ۱۲۷ تعیین تکلیف در باب این موضوعات به قوانین عادی حواله گشت. این اصول در قانون اساسی دچار تحولات بسیار شدند. طبق این متن: «دیوان عالی کشور. . . بر اساس ضوابطی که شورای عالی قضایی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.»^۲ و «. . . دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضایی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.»^۳ این دو اصل در عمل استقلال را از این دو نهاد سلب کردند و عالی‌ترین نهادهای قضاوتی کشور را به حد زیر مجموعه‌های یک شورا رساندند. نکته مهم‌تر آنکه در اصلاحات سال ۶۸ شورای ۵ نفره جای خود را به مدیریت فردی داد. فردی که وفق قانون اساسی برای دوره‌های ۵ ساله از سوی رئیس کشور منصوب می‌شود و فرد نصب کننده، می‌تواند او را عزل کند. نکته دیگر اینکه به تعبیر برخی حقوقدانان رهبر در این نظام حکومتی، قوه مؤسس و تعدیل کننده است (ارسطا، ۱۳۹۸: ۶۴) که با توجه به واقعیات عملی چندان دور از واقع نیست. از نظر برخی افراد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استقلال قاضی به خوبی تأمین شده، (شعبانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰) اما در واقع این متن، گونه‌ای سلسله مراتب را ترسیم و حتی امکان عزل^۴ و جابه جایی قضات را برای

^۱. با پیروزی انقلاب ۵۷، چهار تن از حقوقدانان کشور، ناصر کاتوزیان، حسن حبیبی، محمد جعفر جعفری لنگرودی و

عبدالکریم لاهیجی پیش نویسی برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشتند که البته آن پیش نویس در مجلس بررسی طرح نهایی پیش نویس قانون اساسی دچار تغییر و تحولات بسیاری شد و بدین طریق قانون اساسی را نگاشتند.

^۲. اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

^۳. اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

^۴. استفاده از لفظ «عزل» برای قضات به شدت تأمل برانگیز است. عزل از سوی مقام مافوق اعمال می‌شود، در صورتی که واقعا نباید هیچ کس مافوق قاضی، در معنی اداری، باشد، چرا که مافوق با فرمان پذیری تلازم دارد.

رئیس قوه قضاییه فراهم کرده است.^۱ با توجه به سکوت قانون اساسی، تشکیلات این دو نهاد عالی قضایی کشور را با توجه به قوانین عادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دیوان عالی کشور عالی‌ترین نهاد قضایی کشور است و وظایف مهمی چون نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم، ایجاد وحدت رویه قضایی و محاکمه رئیس‌جمهور و حل اختلاف مراجع قضایی را برعهده دارد. (هاشمی، ۱۳۹۴: ۴۲۱-۴۲۴) مواد ۳۶ تا ۴۲ قانون دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور به تشکیلات دیوان عالی کشور اختصاص دارد. مطابق با این قانون عالی‌ترین نهاد قضایی کشور از چند شعبه تشکیل شده که تعداد شعب را رئیس قوه قضاییه مشخص می‌کند و هر شعبه از دو قاضی تشکیل می‌شود و قضات را نیز رئیس این قوه برمی‌گزیند. این قانون درباره مدت زمان عضویت امکان عزل و یا قبول استعفای اعضا سکوت کرده و اختیارات وسیعی به شخص منصوب رئیس قوه برای انتخاب شعبه رسیدگی کننده به پرونده اعطا کرده است. امکان دارد روند انتصاب به عدم استقلال و بی‌طرفی دادرس ختم شود. در دیوان عدالت اداری کشور نیز نقش پررنگ رئیس قوه قضاییه دیده می‌شود. طبق مواد ۱ تا ۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری انتصاب قضات این نهاد در زمره صلاحیت‌های رئیس قوه قضاییه قرار دارد. اعضای هیأت عمومی هم همان قضات منصوب هستند. همانگونه که مشاهده شد با توجه به جایگاه رهبری در قوه مجریه، صلاحیت ایشان در عزل، نصب و قبول استعفای رئیس قوه قضاییه و جایگاه رئیس قوه قضاییه در این قوه، استقلال جدی میان قوه قضاییه و قوه مجریه وجود ندارد. (ایمانی، ۱۳۹۹: ۶۰-۶۲)

۳-۱-۲- قوه قضاییه آمریکا

در رأس نظام قضایی فدرال ایالات متحده آمریکا دیوان عالی فدرال قرار دارد. در این نهاد ۹ قاضی حضور دارند که ۸ نفر از آنها قاضی عالی‌رتبه^۲ و یک نفر رئیس^۳ هستند. رئیس این نهاد

^۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲ associate justice

^۳ chief justice

منصوب رئیس جمهور است و اعضا در فرایند پیشنهاد رئیس جمهور و موافقت سنا انتخاب می‌شوند. (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۵۱) اعضای این نهاد به صورت مادام‌العمر منصوب می‌شوند و اگر در فرایند Impeachment عزل نشوند و یا از سمت خویش کناره‌گیری نکنند تا پایان عمر بر سر کار خود باقی خواهند ماند. (واعظی، ۱۳۹۰: ۵۲ و ۵۳) نکته دیگر در مورد تعداد اعضا این نهاد، این که قانون اساسی تصمیم‌گیری را به قانون عادی واگذار کرده. در قرن نوزدهم نیز بر این اساس چند بار تعداد اعضا تغییر کرد که به نظر می‌رسد بتواند به خطر جدی برای آینده این نهاد تبدیل شود. باتوجه به فضای آنگلو ساکسون، باید مشابه سایر کشورهای آنگلو ساکسون وجود و اختیارات این نهاد را در بستر یگانگی قضایی درک کرد. (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۴: ۶۳-۵۲) به هر روی صلاحیت‌های متعدد این نهاد به عاملی برای ایفای نقش حیاتی این نهاد در حقوق آمریکا بدل شده است. (هافمن، ۱۳۸۹: ۲۹)

عده‌ای کلیت این ساختار را مطلوب و مصداقی از نظارت و تعادل می‌دانند. (قاسم زاده، ۳۸۰-۳۸۹) در مقابل عده‌ای از اساس دیوان عالی آمریکا را نهادی سیاسی می‌بینند. (توکل، ۱۳۹۵: ۲۷۰-۲۷۱) به هر روی یگانه بودن شیوه انتخاب قضات، مادام‌العمر بودن آنان و امکان تغییر تعداد اعضای دیوان عالی ایالات متحده آمریکا انتقادات گوناگونی را برانگیخته است. (Robinson, 2013: 173-180) که به نظر می‌رسد هر سه انتقاد وارد باشند.

به نظر می‌رسد در هر دو کشور استقلال قوه قضاییه از سایر قوا تا حدی مخدوش شده است، اما این مخدوش در ایران به مراتب بیشتر از ایالات متحده آمریکا است.

۳-۲- نهادهای فراتر از سه قوه

با توجه به موضوع خاص نهادهای فراتر از سه قوه در کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نگارنده بر آن شد که به شکل مجزا به این موضوع بپردازد. نکته حائز اهمیت در مورد این نهادها تعداد این نهادها در ایران است، در حالی که در ایالات متحده آمریکا شاید نتوان هیچ نهاد دیگری جز فدرال رزرو را در این دسته قرار داد.

۳-۲-۱- نهادهای انتصابی

۶ مصداق مشخص از این نهادها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران وجود دارند که عبارت اند از:

مجمع تشخیص مصلحت نظام

شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی فضای مجازی

شورای هماهنگی سران سه قوه در موضوعات اقتصادی

ستاد ملی مقابله با کرونا(راسخ، ۱۳۹۸: ۲۴)

از این شش نهاد دو نهاد نخست با تصریح در قانون اساسی و چهار نهاد بعدی با حکم رهبری مستقر شده اند. این نهادها از چند جهت در روند تفکیک قوا اختلال ایجاد می‌کنند. نخست، عمده اعضا عمده این نهادها منصوب رهبرند و برخی از مصوبات برخی از این نهادها باید به تأیید رهبری برسند.^۱ این موضوع یعنی بزرگ شدن یک جزء که خود، مخل نظارت و تعادل است. دوم، ۴ نهاد از این ۶ نهاد با حکم قانون تأسیس نشده اند. طبق هیچ قانونی نیز رهبری از صلاحیت تأسیس نهاد فراقوه‌ای برخوردار نیست.^۲ این موضوع مخل یکی از پایه‌های نظام نظارت و تعادل، حکومت قانون است. سوم، هر کدام از این نهادها بخشی از وظایف قوای

^۱ برخی از مصادیق این موضوع در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام در اصل ۱۱۲ قانون اساسی ذکر شده اند

^۲ عباراتی مانند « طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد. » موجود در اصل ۵، « بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند» موجود در اصل ۵۷، « جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود» موجود در اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنین به ذهن متبادر می‌کند که رهبری از هیچ صلاحیتی جز موارد احصا شده در قانون اساسی برخوردار نیست.

سه گانه را برعهده گرفتند. این موضوع نیز خود عاملی برای مخدوش نمودن جایگاه قوای سه گانه است. چهارم، امکان شکایت از عمده مصوبات این نهادها وجود ندارد و جز رهبری هیچ یک از ارکان دیگر نمی‌تواند در امور این نهادها اثر بگذارد. این موضع از رابطه یک طرفه این نهادها با قوای سه گانه حکایت دارد. بنابه ادله مذکور نهادهای انتصابی تهدیدی جدی برای تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران هستند.

۳-۲-۲- موضوعی استثنایی

در ایالات متحده آمریکا جز فدرال رزرو نهاد فراسه قوه‌ای دیگری نیز وجود ندارد. این اندیشه در استقلال بانک مرکزی ریشه دارد.^۱ فدرال رزرو در واقع نهادی فدرال است که مطابق قانون فدرال رزرو از ارکان اصلی شامل یک اداره فدرال مرکزی (در واشنگتن و محل استقرار هیئت حکام) و دوازده بانک مرکزی منطقه‌ای تشکیل می‌شود. ۷ نفر اعضای هیئت حکام^۲ توسط رئیس جمهور برای دوره‌ی ۱۴ ساله تعیین شده به تایید مجلس سنا می‌رسند. این هیئت، نظارت و راهنمایی ۱۲ بانک مرکزی منطقه‌ای را بر عهده دارد و ظاهراً بایستی در برابر کنگره پاسخگو باشد. به این نهاد، کمیته فدرال بازار آزاد^۳ (FOMC) می‌گویند که وظیفه اصلی سیاست گذاری پولی را بر عهده دارد. این نهاد وظیفه تعیین نرخ بهره کوتاه مدت و تاثیر گذاری بر آن از طریق اجرای عملیات بازار آزاد را دارد. از سال ۲۰۰۸ به بعد وظیفه خریدهای بزرگ اوراق خزانه منتشر شده نهادهای فدرال نیز بر عهده این کمیته قرار داده شده است. اگرچه اهداف سیاست‌های پولی را کنگره تعیین می‌کند ولی تصمیم‌گیری در مورد ابزار و

^۱. برای مطالعه بیشتر در مورد فدرال رزرو، چگونگی تأسیس آن، ادله تأسیس، نک: ایمانی، محمد و خالقی، امیرحسین،

مقاله «بررسی تطبیقی بانک مرکزی ایران و فدرال رزرو آمریکا از منظر حقوق اساسی» منتشر شده در در همایش ISC

«آسیب شناسی حقوقی اقتصادی نظام پولی و بانکی در ایران» برگزار شده در ۲۱ آبان ۱۳۹۸

^۲. Federal reserve board of governors

^۳. Federal Open Market Committee

چگونگی رسیدن به این اهداف در اختیار هیئت حکام و FOMC است و نیازی به تایید رئیس جمهور یا هیچ شخص دیگری در قوه مجریه یا مقننه را ندارد.^۱

وظیفه حسابرسی سالانه و یا دوره‌ای از سیستم فدرال رزرو، کلیه اعضای هیئت حکام و دوازده بانک فدرال رزرو منطقه‌ای بر عهده دیوان محاسبات آمریکا^۲ است. ^۳ فدرال رزرو موظف به انتشار هفتگی ترازنامه و نمودارهای تغییرات ترازنامه‌اش است. تمامی صورت‌های مالی فدرال رزرو توسط حسابرس مستقل بررسی میشود و صورت‌های مالی سالانه توسط دفتر بازرسی کل^۴ از نظر صحت و رعایت مقررات مربوط بررسی شده و نتیجه این بازرسی در اختیار کنگره و عموم قرار می‌گیرد.

با وجود اقتدار قابل توجه این نهاد، اما چند نکته در مورد این نهاد حائز اهمیت است:

نخست، دادگاه‌های آمریکا از صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه این نهاد برخوردار اند.

دوم، این نهاد با حکم قانون تأسیس شده است.

سوم، اقتدارات و صلاحیت‌های این نهاد برخاسته از قوانین مصوب ایالات متحده آمریکا هستند.

۳-۳- نهادهای فراتر از سه قوه در ایران و آمریکا

در جمهوری اسلامی ایران، استقلال ساختاری مناسبی برای قوه قضاییه وجود ندارد. نهادهای فراسه قوه نیز به معضلی بزرگ برای تفکیک قوا بدل شده اند. در ایالات متحده آمریکا استقلال قوه قضاییه از سایر قوا در حد قابل قبولی است. جز فدرال رزرو نهاد فرا قوه‌ای چندانی در ساختار این کشور وجود ندارد. این نهاد نیز مخل تفکیک قوا و حکومت قانون نیست.

^۱. Federal Reserve Act 1913

^۲. Government Accountability Office

^۳. Federal Banking Agency Audit Act 1978

^۴. Office of Inspector General

۴- نتیجه

پژوهش پیش رو از سه قسمت تشکیل شده بود که عبارت اند از: نظریه‌های تفکیک قوا، روابط میان قوای مجریه و مقننه و تفکیک قوا در فراتر از سه قوه. در قسمت نخست مدل‌های مشهور تفکیک تبیین و نقاط ضعف و قوت آنها بررسی شد. در پایان این قسمت این نتیجه حاصل شد که باید با توجه به تاریخ، شرایط محاطی و محیطی کشورها برای آنها نسخه‌ای تجویز کرد. در قسمت دوم روابط میان قوای مجریه و مقننه در دو کشور مورد بحث قرار گرفت. بین مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی تفکیک قوا در دو کشور فاصله شدیدی وجود دارد. در ایران ساختاری دو پاره در ریاست قوه مجریه وجود دارد، اما این ساختار مشابه ساختار نظام نیمه ریاستی نیست. در آمریکا یگانگی ساختار وجود دارد. در ایران پارلمان در روی کار آمدن کابینه و امور اجرایی از صلاحیت‌های گسترده‌ای برخوردار است اما در آمریکا چنین نیست. در ایران وجود اختیارات گسترده رهبری و جایگاه معاونت ریاست جمهور با مدل‌های مشهور تفکیک قوا سازگار نیست. در قسمت سوم نهادهای خارج از دو قوه مورد بررسی قرار گرفتند. نوآوری پژوهش فوق در همین قسمت است. با توجه به جایگاه رهبری در نظام سیاسی کشور و جایگاه رئیس قوه قضاییه در این قوه، قوه قضاییه از قوای دیگر مستقل نیست. در آمریکا با وجود برخی مشکلات ساختاری ساختار قضایی از استقلال خوبی نسبت به سایر قوا برخوردار هست. در مورد نهادهای فراقوه‌ای نیز این نهادها در جمهوری اسلامی ایران به یکی از بزرگترین خطرات بر سر حکومت قانون و تفکیک قوا تبدیل شده اند. در ایالات متحده آمریکا جز فدرال رزرو نهاد فراقوه‌ای دیگری وجود ندارد. این نهاد نیز در بستر حکومت قانون شکل گرفته و ناقض تفکیک قوا نیز نیست. در ایالات متحده آمریکا تفکیک قوا از جنس نظام ریاستی وجود دارد، اما در جمهوری اسلامی ایران هیچ یک از مدل‌های تفکیک قوا پیاده‌سازی نشده‌اند.

منابع

ارسطا، محمدجواد. (۱۳۹۸) تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

- اسدیان، احمد. (۱۳۹۵) **تحولات تفکیک قوا**. تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم.
- ایمانی، محمد. (۱۳۹۹) «**مشروعیت دموکراتیک قضات عالی از منظر نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ایمانی، محمد و خالقی، امیرحسین (۱۳۹۸) «**بررسی تطبیقی بانک مرکزی ایران و فدرال رزرو آمریکا از منظر حقوق اساسی**» منتشر شده در همایش ISC «آسیب شناسی حقوقی اقتصادی نظام پولی و بانکی در ایران».
- حبیب زاده، توکل. (۱۳۹۵) «**دادرسی اساسی در ایالات متحده آمریکا**»، **کتاب دادرسی اساسی تطبیقی**. تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ دوم.
- دهشیار، حسین. (۱۳۸۹) **ماهیت تئوریک و عملی سیستم انتخاباتی آمریکا**. تهران: نشر چشمه، چاپ نخست.
- راسخ، محمد (۱۳۹۸) **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**. تهران: انتشارات دراک، چاپ ششم.
- زارعی، محمدحسین، **حاکمیت قانون و دموکراسی**. تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- زولر، الیزابت (۱۳۹۶) (مترجم: مجتبی واعظی)، **درآمدی بر حقوق عمومی**. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ سوم.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۸) **حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سی و هفتم.
- قاسم زاده، قاسم. (۱۳۹۰) (تصحیح، تحشیه و پیش‌گفتار: علی اکبر گرجی ازندریانی)، **حقوق اساسی**. تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.

قاضی «شریعت پناهی»، ابوالفضل (۱۳۹۹) **بایسته‌های حقوق اساسی**. تهران: انتشارات میزان، چاپ شصت و یکم.

_____ (۱۳۹۵) **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: نشر میزان، چاپ چهاردهم.

گرگی ازندریانی، علی اکبر. (۱۳۹۹) **جزوه درسنامه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**.

_____ (۱۳۹۴) **دادگاه‌های قانون اساسی، الگوی غیر اروپایی دادرسی اساسی**. تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.

_____ (۱۳۸۸) **در تکاپوی حقوق اساسی**. تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.

ناردو، دان. (۱۳۹۴) **اعلامیه استقلال آمریکا**. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.

واعظی، مجتبی. (۱۳۹۰) **دادگستری اساسی**. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول.

وب، مارکوس. (۱۳۹۳) **ایالات متحده آمریکا**. ترجمه فاطمه شاداب، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۴) **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. ج ۲. تهران: انتشارات میزان، چاپ بیست و ششم.

هافمن، دنیس. (۱۳۸۲) (مترجمین: عمادالدین باقی و محمد حسین باقی) **فضاوت آمریکایی**. نشر سرایی، چاپ اول.

هریسی نژاد، کمال (۱۳۹۶) **حقوق اساسی تطبیقی**. تهران: انتشارات آیدین، چاپ هشتم.

structure Matters: **The Impact Of Court**. Robinson, Nick
structure on the Indian and U. S Supreme Courts, the
American Journal of Comprative Law, Volume 61

